



فروش

یک جفت نفتکش
در حد نو
پر از نفت
برای نوه‌های ارسطو بوده باهاش
می‌رفتن دور دور
زیر قیمت منطقه

ست مبارزه چریکی

وارداتی
دست دوم
+ اسپری لفلل اشانتیون
۱۰ درصد تخفیف
به هنرمندان

استخدام رسمی

فتوشاپ کار حرفه‌ای
تغییر چهره از خندان به غمگین
تغییر محیط از عروسی به عزا
فوری
دستمزد
و دعوت به کار در
پروژه‌های سینمایی

ماسک شیمیایی آکبند

مناسب استفاده در فضای باز در طرح‌ها
و رنگ‌های مختلف زنانه و مردانه
و حتی بچگانه فروش با تخفیف ویژه
ستاد مبارزه
با آلودگی هوا
شاخه ریزگردها

رهایی نفتکش با مذاکرات برجامی

بازایران به یونان بی ادب

محمد امین میمندیان

اگر اخبار را دنبال کرده باشید یونان یکی از نفتکش‌های ایران را به طور غیرقانونی توقیف کرد و نفتکش را هم داد به آمریکا. ایران هم در پاسخ، دو نفتکش یونانی را در خلیج فارس توقیف کرد و گفت نفتکش و نفت‌هایش را که آوردی کشتی هایت را پس می‌گیری وگرنه کف بشکه را دیدی؛ نفتکش‌ها را هم دیدی. حال اگر قور باد ایران بدون این مقابله به مثل‌ها و مدل دولت آقای روحانی، صرفاً یا گفت‌وگو و مذاکره نفتکش‌اش را پس بگیرد چطور می‌شد:

از وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به دوست و همسایه قدیمی، یونان با سلام و احترام

نظر به اینکه یک عدد نفتکش ایرانی با نفت‌هایش توسط نیروهای شما توقیف شده است، به استحضار می‌رساند، یونان کشوری باستانی و اصیل است که دیرباز با ایران زمین پیوست فرهنگی و تاریخی داشته است. زمانی که این جوجه کشورهای امروزی در اروپا و آسیا نبودند، یونان و ایران بودند و تاریخ‌سازی می‌کردند. اگر ژولیوس سزار شما سزاین شده است، رستم ما هم رستم‌زاد شده است. ما خیلی باهم جفت و جوریم. لذا این حرکت یونان مبنی بر توقیف نفتکش ایرانی، دون شان و شخصیت کشوری با این تمدن است. خواهشمند است کشتی ما را با نفت‌هایش پس بدهید شیرینی تان هم نزد ما محفوظ خواهد بود. ای نامه که می‌روی به سویش از جانب من بیوس رویش.

از یونان به ایران

بیشین بینیم باو. ته بشکه‌اش رو هم نمیدم بخوری. تازه سزار هم مال ما نیست. پایان

از وزارت خارجه ایران به کشور محترم و مؤدب یونان

نامه شما را دریافت کردم و بسیار متأسف شدم. لازم است یاد آور شوم کشور شما زمانی مخترع به نام معلم اول ارسطوی حکیم بود. همچنین چه بسیار بزرگمردانی که از این خاک برخاسته‌اند. از افلاطون و بقراط بگیر تا برد بیت در فیلم تروا و راسل کرو در فیلم گلا دیاتور که فیلم‌های این دو عزیز را ما سال‌هاست در ایام نوروز باستانی، برای مردم مان پخش می‌کنیم که این هم پیرو همان پیوست فرهنگی است، لذا این رفتار شما روح این عزیزان را در گور می‌لرزاند. پس دوباره متذکر می‌شوم که نفتکش ما را پس بدهید. ضمناً جهنم و ضرر؛ نفتش مال خودتان، باقی بقایت جانم فدایت.

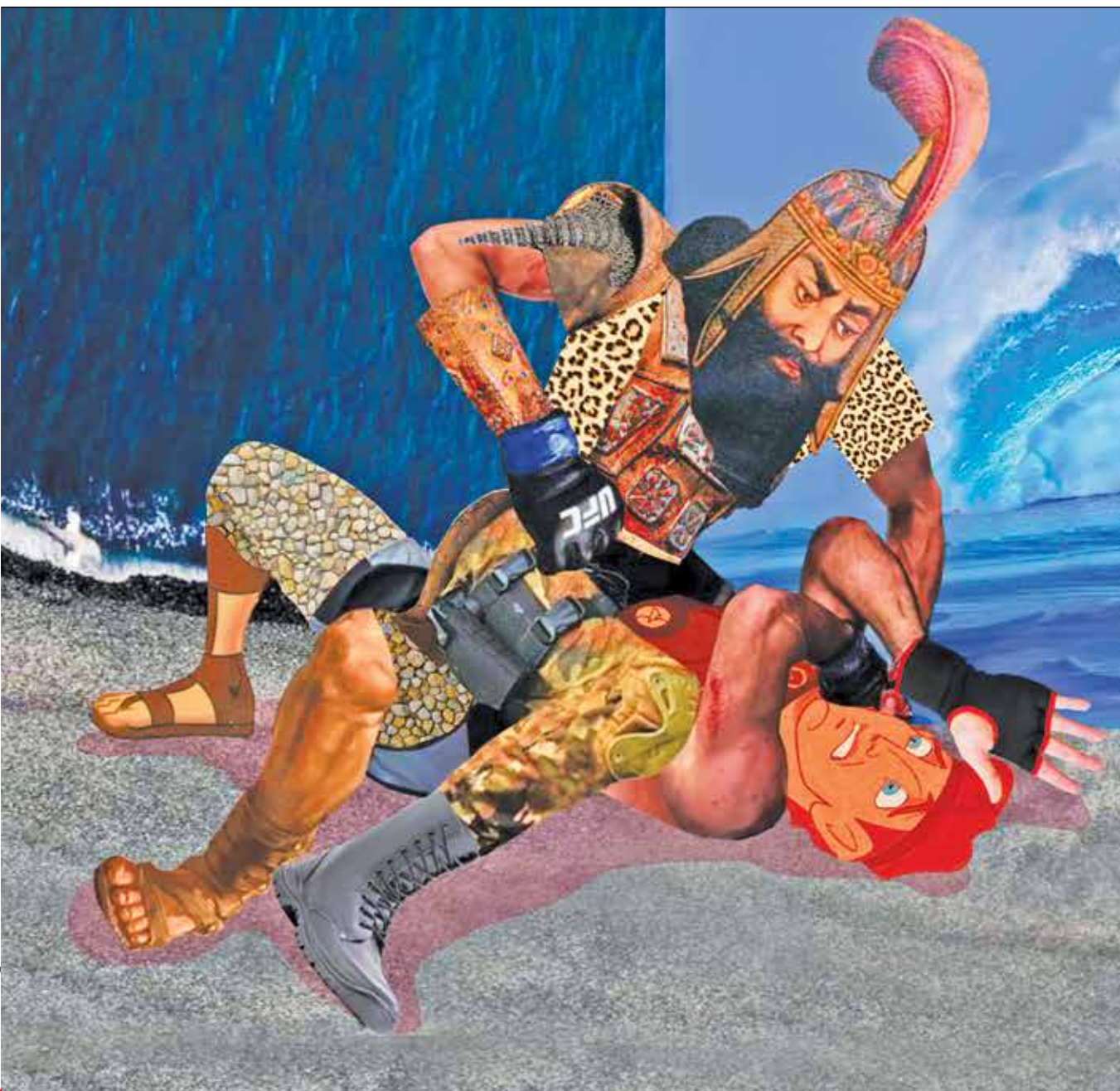
فایل فیلم «چه‌های آسمان» با زیرنویس انگلیسی جهت پخش در صدا و سیما یونان، به پیوست است.

از یونان به ایران

اولا نفتکش جاش امنه. بازم اینورا پیداتون بشه، می‌گیریم. دوماً فیلم گلا دیاتور ریپتی به یونان نداره. سوما دیگه نامه نده بلاکی.

از وزارت خارجه ایران بزرگ به یونان بی‌تربیت

نمی‌خواستیم کار به اینجا بکشد اما نظر به حرکت زشت شما، به رغم میل باطنی، ما را مجبور به کاری کردید که نمی‌خواستیم. به اطلاع می‌رساند از امروز پخش فیلم‌های گلا دیاتور، تروا، ژولیوس سزار و تمام فیلم‌های مربوط به تاریخ یونان ممنوع می‌گردد. همچنین جداول روبه‌روی سفارت رنگ آمیزی نخواهد شد. پایان (ایموجی خودکار)



طراح: تان‌ژین اسمعیل‌زاده



امین شفیعی

آن بازی‌شناس بازیگر، آن پرده سینما را زیور، آن در حد لالیگا یا حتی لیگ برتر، آن صاحب میمیکات زیر پوستی، آکتوره دوران، ترانه علی‌دوستی «بیدژامیدآنها» شهره شرق و غرب گیتی و در کشور ایران سلبریتی بود.

هر یک از ابدال و صاحبان کرامت را لقبی بود؛ پس عرفای زمانه به تعیین لقب وی بنشستند. کسی گفت: «هی سلطانه العرفا فمن کان سلطانه!» دیگری گفت: «هی متکرمه العرفا فمن کان متکرمه!» ناگاه آکتوره به نعره درشت فرمود: «نیستم!» گفتند: «شما را نفی القاب از چه رو درافتاد؟» گفت: «برای من القاب می‌تراشید و من من را در برابر چشمم متکبر کنید و سگ نفس اماره بر ارادتم‌ها کنید اگر چه سگ فحش نباشد که فمن کان سلطانه یا فمن کان متکرمه! فمن نیستم!» و از همین روی وی را فمینیست همی خواند.

پیوسته خویش‌ش خویش را از درجه نیستی نیز حقیرتر انگاشتی و نفس را بر پای مجاهدت و ریاضت ذلیل کردی تا آن جای که روزی در مقام فمینیست نشسته بود و «می‌توانی گران را سرزنش همی کرد!» روز دگرش دیدند با «می‌توانی گران بر سر میز. پرسیدندش: «این اجتماع چون بود؟» فرمود: «برق احوالات است که گهی بر طارم استوری خویش نشستمیم و جاج را هزینت نیابند، پس بر اسب فمینیسم بتازیم و گاه چون هزینت باید، که خوب! تا پشت پای خود بینیم!»

روزی به گام طی‌الارض خویش، بر احوالات مریدان در جمله عالم سیر کردی؛ مریدی را دید کتب مختلفه در باب فلسفه و تمدن غرب و وزن در مسیر توسعه همی خواند! پس جیغ بنفش برآورد که «چیست این؟» گفت: «خواهم چون شما به درک فمینیسم نایل آیم!» پس کتب مرید در استخر افکند و گفت: «حاشا و کلا که اینان تحریف رسانه‌ایست و معنای فمینیست را در پیچ رسمی پروفوسور سمیعی باید جست.» مرید که آتش جذب‌ه ایشان را در خرمن ذات خویش شعله‌ور دید، در استخر پرید تا هم آتش خاموش گردد و خرمن ذاتش تاول نزند و هم کتب جلدی یکصد هزار تومانی را از استخر بیرون کشد که آکتوره فرمود: «غرق باش که زنان را در این سرزمین جواز شنا نباشد.» لیک مرید به کرالی کتب بریود و از آب بیرون شد و گفت: «باشد!!!»

در بیابان معرفت سرگشته بود که دسته طراران دید بر قافله معلمین تاخته؛ پس به خوان ایشان نشست و یک فصل بخورد و فصل دیگر بخورد و فصل سوم بخورد و خواست فصل چهارم خورد که مریدی بانگ برآورد: «بر سفره طرارانی.» از آنکه وی را طراقت این مظلمت نبود، زار بگریست که: «آه مرا هیج از این خبر نبود!» و خواست آنچه برده، برآورد، ناگهان تایم مبارزت آغاز گشت و بر رینگ دفاع از حقوق خلق برآمد و قسم خورد که تا مرا عمر باقیست از رینگ مبارزت بیرون نخواهم شدن.



محمد کورپز

شجاعت داشته باشید بگید این نفتکش‌هایی که توقیف شده نفتش رو زمان اعلیحضرت کشف کردن.

عرضه ندارن یونان رو ضمیمه خاک ایران کنن ادعاشون هم میشه. مملکته داریم؟

بابام میگه نفتکش‌های زمان شاه رو به جوری ساخته بودن اصلاً توقیف نمی‌شد. چی بودیم چی شدیم!

قیام سراسری در ایران. به نشانه اعتراض به توقیف‌های اخیر، هواداران سلطنت امشب در محل لنگر انداختن نفتکش‌ها در سواحل ایزده تجمع می‌کنیم. خدا و شاه و میهن.

اعلیحضرت توی کتاب «پاسخ به تاریخ» اینا رو پیش‌بینی کرده بود ولی عوامل رژیم اونجا رو لاک زدن سانسورش کردن.

بابا دروغ می‌گن اینا اصلاً نفتکش نبودن، دو تا قایق پدالی بوده با فتوشاپ بزرگشون کردن.

به بار زمان شاه به نفتکش ما رو توی فرودگاه جده توقیف می‌کنن. اعلیحضرت به علیرضا پهلوی دستور می‌ده بزنه توی گوش کنسول عربستان بعد بندازتش توی چاه مستراح. بعد از ۵ روز مراتب عذرخواهی کتبی عربستان به ایران می‌رسه؛ به اون می‌گفتن، قلدری، عزت، اقتدار.

این کارا برای ملت نون و آب میشه؟ اگه راس می‌گید دو تا نفتکش آرد و آب معدنی توقیف کنید نون و آب بشه برای مردم.

طبق اطلاعات رسیده عوامل رژیم کوسه‌های خلیج فارس رو منتقل کردن به سواحل ایزده. ولی شما نترسید ما از اینجا هوای هواداران سلطنت رو داریم. رضاخان روحت شاد.

من دایم توی اطلاعاته. میگه نفتکش‌های ایران تموم شدن، الان دارن نفتکش‌های بقیه دنیا رو می‌گیرن می‌برن لبنان و فلسطین.

راستی وسایل غواصی هم بیارید اگه تیراندازی کردن زیرآبی برید. ناموساً به هل بدید کارشون تمومه. توپ، تانک، فشفتشه، دیگر اثر ندارد.

شاهزاده رضا پهلوی در تماس تلفنی با رئیس‌جمهور یونان از اقدامات حکومت ایران در توقیف نفتکش‌ها ابراز تأسف کرده. اعلیحضرت اضافه کردن همین روزا برمی‌گردم ایران پس میدم بهتون.

شهبانو فرح پهلوی در تماس با دولت یونان اعلام کرد بجهام داره انقلاب می‌کنه سرش شلوعه، شما کاری چیزی داشین به خودم بگین.

تجمع اعتراضی تنی چند از هواداران سلطنت در محل مذکور با دخالت اکیپ سرکوبگر موسوم به نجات‌غریق به خشونت انجامید!



محدشه مهری

فروردین: در این هفته مراقب کیف پولتان باشید. البته اگر چیز به درد بخوری تویش دارید. اگر چیز به درد بخوری ندارید، باز هم مراقب باشید. والا! دلیل نمی‌شود مراقب نباشید. کلاً مراقب باشید.

اردیبهشت: این هفته از صبح که بیدار می‌شوید تا شب کلاً درگیر مبارزه خواهید بود. بروید برای زندگی‌تان مبارزه کنید. اگر ادوات جنگی لازم را ندارید، بیایید من یک نانچیکو و دو تا پنجه بوکس دارم، بهتان قرض می‌دهم. بقیه‌تان هم با مشت و لگد مبارزه کنید. فقط مواظب باشید دستانتان اشتباهی پای چشم مبارزهای دیگر مثل ترانه و اینها نخورد وگرنه شر می‌شود.

خرداد: هفته خوبی خواهید داشت. همین دیگرا دنبال چه هستید؟ مردم همیشه را هم ندارند. بروید لذتشان را ببرید.

تیر: این هفته می‌تواند هفته محبوبیت شما باشد. دو تا پیام خفن از اینترنت بگیرید و روی موج باقی همکاران تان سوار شوید. فقط جان هرکس دوست دارید مراقب باشید عکس و فیلم‌هایتان موقع فر دادن وسط عروسی خواننده حاشیه دار پخش نشود. این حیثیت برود، بر نمی‌گردد! از ما گفتن بود.

مرداد: این هفته هرکاری که می‌خواهید بکنید، خیلی توی در و دیوار می‌خورید. نگران نباشید، مشکل نه از بخت‌تان است و نه چشمان‌تان. ریزگرد و غبار در آسمان زیاد شده، جلوی پانتان را خوب نمی‌بینید. کاری از دست‌تان بر نمی‌آید؛ نهایتاً می‌توانید روی خودتان ضربه‌گیر نصب کنید.

شهریور: یک هفته عالی در پیش دارید! این هفته می‌توانید حساسی استراحت کنید. توصیه‌ها به شما خواب است. چون بیدار باشید هم کار مهمی نخواهید کرد. فقط سرتان را می‌کنید توی گوش‌ی و اخبار منفی را از پیج‌های دوزاری دنبال می‌کنید. همان بهتر بخواهید که هم اعصاب خودتان راحت‌تر باشد هم ما!

مهر: برای یک هفته هیجان‌انگیز آماده باشید. چک‌هایتان برگشت می‌خورد، طلبکارها می‌افتند دنبال‌تان، ماشین‌تان را دزد می‌برد و مدارک‌تان هم توی جوی آب می‌افتد. در این میان یک مغازه‌دار منصف پیدا می‌کند که روغن با قیمت قبل دارد و همه هیجان‌ات قلبی را می‌شوید و می‌برد. زندگی هنوز زیبایی‌هایش را دارد.

آبان: این هفته بالاخره چیزی را که همیشه دوست داشتید بخرید به دست می‌آورید، هرچند گران‌تر شده است. فقط موقع فرار از دست پلیس، مراقب باشید توی کوچه بن‌بست نیچید.

آذر: یک هفته اعصاب خردکن پیش روی شماست. این هفته برای تعویض لوله آب داخل کوچه‌تان، کارگران با پیکور به جان آسفالت خواهند افتاد. صبر جمیل از درگاه ایزد منان برای شما خواستاریم.

دی: یک هفته خوشمزه پیش روی شماست. در این هفته هر هندوانه‌ای بخرید، سرخ و شیرین از آب درمی‌آید. یک‌بار هم به یک درخت توت دست نخورده برخورد خواهید کرد که نوش جانتان. ولی بدانید تنها خوری کار زشتی است. اصلاً هم منظوری ندارم.

بهمن: بروید خوش باشید که... نه نباشید. ببخشید اینترنت کند بود، بخت‌تان دیر لود شد. راستش اتفاق خاصی در این هفته برایتان نمی‌افتد. هرچه الان هستی، در هفته پیش رو هم همین خواهید بود.

اسفند: امروز سمت قفسه سس مایونز و روغن نروید چون سلامت قلب‌تان به خطر می‌افتد، البته کلاً سعی کنید سمت قفسه روغن و سس مایونز نروید چون خیلی خیلی مضر است. به جان خودم این را به خاطر گرانی نمی‌گویم از قدیم هم دکترها می‌گفتند!

فکال هفته | این حیثیت برود، بر نمی‌گردد!ها!

مروری بر مطبوعات طنز ایران | این، همان فلان شده است



بهزاد توفیق‌فر

بعضی چیزها، برای «بعضی چیزها بودن» ساخته می‌شوند. یعنی در دفترچه راهنمایشان نوشته: فلان بودن یا بهمان بودن. مثلاً کتفا، برای کتفا بودن یا آنگلساکسون، برای ششول بستن و کبشتن. هرچقدر هم که «خزدار قرمز» تن‌اش کنند و کلاه منگوله‌دار سرش بگذارند، بازهم همان فلان یا بهمان است. نه اینکه حالا این طوری باشد، نه! آمریکا شصت سال پیش هم همین بوده، این هم سندهایش:



دیگر از آزادی و آزادمردی دم نزن

هی دم از دلسوزی از کار بنی آدم نزن

عاجزی از حل و فصل کار افراد خودت

بهر ما یا دیگران بیجا دم از مرهم نزن

خیط کردی جان من، دسته گلی دادی به آب

بی‌جهت در خخته آزادیگی پرچم نزن

کشته شد فرزند تو با حیلہ در آغوش تو

پس دم از آزادی و خربت عالم نزن

از برای ما نیاور هر زمانی «طرح» و «اصل»

نقشه ما را به راه زندگی تیرهم نزن

خاک خود را ایمنی ده، گر که زورت می‌رسد

روز و شب بیجا به‌نام صلح، بیج و خم نزن

تاکنون در پرده می‌رقصیدی و پیدا نبود

حال چون رسوا شدی، آهنگ زیر و بم نزن(۱)

(۱) شعر و کاریکاتور از هفته‌نامه توفیق، ۱۴ آذر ۱۳۴۲. به مناسبت قتل رئیس‌جمهورشان وسط خیابانشان!